



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی
پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

عنوان:

ترجمه، شرح و نقد رویکرد تحلیلی در فلسفه دین

بر اساس کتاب:

Philosophy of religion ed. William J.
Wainwright
Oxford 2005

استاد راهنما:

آقای دکتر محسن جوادی

استاد مشاور:

آقای دکتر عسگر دیرباز

نگارنده:

فرید فریدی

بهار ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

زبان دین ازاهمّ موضوعات الهیات و فلسفه دین است. مسئله زبان دین در الهیات، کلام، فلسفه دین و زبان دین و رزان، همواره ناظر و معطوف به متون مقدس ادیان می‌باشد، و از این روی در این پایان نامه کوشیده شده است که مسایل بنیادین زبان دین از رهگذر معرفی یکی از متون مربوط به فلسفه تحلیلی دین به صورت برجسته و نمایان گردد. در شرح متن تأکید بر مسئله زبان دین است که این موضوع از منظر دو فیلسوف بزرگ قرن بیستم؛ لودویگ ویتگنشتاین و آنتونی فیلو بررسی می‌گردد، و در حد امکان به نقدهای مطرح بر دیدگاه‌های ایشان و نقد این نقد ها پرداخته می‌شود. روش تحقیق در این پایان نامه، روش تحقیق کتابخانه ای است. نتیجه این تحقیق ردّ همه نقدهای طرح شده بر دیدگاه‌های این دو فیلسوف در همین پایان نامه می‌باشد. این نتیجه تا کنون در کمتر تحقیقی در باب زبان دینی در ایران مشاهده شده است، چرا که به نظر می‌رسد اکثر قریب به اتفاق تحقیقات انجام شده ناظر به دیدگاه های این دو فیلسوف، به نقد و تشکیک در باب آراء ایشان پیرامون زبان دین انجامیده است.

واژگان کلیدی: لودویگ ویتگنشتاین، آنتونی فیلو، بازی زبانی، نحوه زندگی، ابطال

گرایی، معناداری، صدق، پوزیتویسم.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
۱. فصل اول: فلسفه تحلیلی دین.....	۵
۱-۱. درآمد.....	۵
۱-۲. متن ترجمه فارسی اثر.....	۶
۱-۳. دوره نخست: زبان دینی.....	۷
۱-۴. دوره میانه: حمله و دفاع خداگرایی.....	۱۷
۱-۵. به سوی کمال: چالش های متعدد.....	۳۱
۱-۶. جایگاه فیلسوفان تحلیلی در میان فیلسوفان دین.....	۴۱
۲. فصل دوم: لودویگ ویتگنشتاین.....	۴۶
۲-۱. درآمد.....	۴۶
۲-۱-۱. دورنمای کلی فلسفه در قرن بیستم.....	۴۶
۲-۲. بخش اول: ویتگنشتاین و فلسفه.....	۵۰
۲-۲-۱. درآمد.....	۵۰
۲-۲-۲. مختصری بر زندگی و آثار.....	۵۰
۲-۲-۳. طرح یک پرسش انتقادی در تاریخ فلسفه.....	۵۱
۲-۲-۴. طرح یک پاسخ انتقادی.....	۵۴
۲-۲-۵. رویکردی سلبی؛ نقدهایی بر فلسفه سنتی.....	۵۶
۲-۲-۵-۱. الف) طلب نظریه پردازی.....	۵۶
۲-۲-۵-۲. ب) جستجوی تعریف ذات گرایانه.....	۵۷
۲-۲-۵-۳. ج) طلب دقت و کلیت در تعریف.....	۵۸
۲-۲-۵-۴. جمع بندی.....	۵۹
۲-۲-۶. گذار از سلب به ایجاب.....	۶۱
۲-۲-۷. تفکر فلسفی از منظر زبان شناسانه.....	۶۱

۶۲	۸_۲_۲. فلسفه ویتگنشتاین، مؤلفه ها و تأکید ها
۶۳	۹_۲_۲. زبان چیست؟
۶۵	۱۰_۲_۲. بازی های زبانی و صورت های زندگی
۶۸	۱۱_۲_۲. نتیجه: فلسفه، مشاهده و توصیف
۷۱	۳_۲. بخش دوم: ویتگنشتاین و زبان دینی
۷۱	۱_۳_۲. درآمد
۷۱	۲_۳_۲. طرح دو منظر در الهیات
۷۳	۳_۳_۲. ویتگنشتاین و الهیات
۷۴	۴_۳_۲. بازی زبانی و نحوه معیشت دینی
۷۶	۵_۳_۲. ایمان و مؤمن
۸۱	۶_۳_۲. اختلاف مؤمن و ملحد
۸۵	۷_۳_۲. امکان الهیات، وظایف الهیات
۸۷	۸_۳_۲. تفسیرهای غیرشناختاری و شناختاری از زبان دینی
۸۹	۹_۳_۲. دیدگاه های غیرشناختاری به زبان دین
۹۳	۱۰_۳_۲. بررسی چندین نقد بر دیدگاه های ویتگنشتاین
۹۳	۱_۱۰_۳_۲. نقد ۱
۹۶	۲_۱۰_۳_۲. نقد ۲
۹۹	۳_۱۰_۳_۲. نقد ۳
۱۰۳	۴_۱۰_۳_۲. نقد ۴
۱۰۶	۵_۱۰_۳_۲. نقد ۵
۱۱۱	۶_۱۰_۳_۲. نقد ۶
۱۱۳	۱۱_۳_۲. سخن آخر
۱۱۴	۳. فصل سوم: آنتونی فیلو
۱۱۴	۱_۳. درآمد
۱۱۵	۲_۳. پوزیتیویسم و مخالفان، توصیف و نقد
۱۲۰	۳_۳. تعیین محدوده نقد و بی معنایی زبان دینی
۱۲۳	۴_۳. کدام ابطال گرایی، کدام بی معنایی؟
۱۲۶	۵_۳. تبیین بی معنایی زبان دینی

۱۳۱۳_۶. الف) پاسخهای ایمان‌گرایانه به روایت ویتگنشتاین، در پاسخ به فیلو.....
۱۳۳۳_۶.۱. آر. ام. هیر.....
۱۳۶۳_۶.۲. بازیل میچل.....
۱۴۰۳_۶.۳. ایان کرمبای.....
۱۴۱۳_۶.۴. جمع بندی.....
۱۴۲۳_۷. ب) پاسخ‌ها، نقدها و اشکالات غیر ایمان‌گرایانه به فیلو.....
۱۴۵۳_۷.۱. نقد ۱.....
۱۴۶۳_۷.۲. نقد ۲.....
۱۴۸۳_۷.۳. نقد ۳.....
۱۵۰۳_۷.۴. صورتبندی نهایی پرسش‌ها و نقد‌های فیلو.....
۱۵۵۳_۷.۵. بررسی و نقد‌های نقد ۳.....
۱۶۹۳_۸. نتیجه‌گیری.....
۱۶۹۳_۹. سخن آخر.....
۱۷۲فهرست منابع و مآخذ.....
۱۷۵پیوست: متن اثر به زبان اصلی.....

مقدمه

فلسفه تحلیلی دین در دوران معاصر، داستانی دل‌انگیز از کوشش‌هایی سخت و مداوم در باب اندیشه دینی بشر امروز است. حکایتی پرآفت و خیز از پرسش‌ها، جواب‌ها، نقد‌ها و آنگاه ردیه‌ها که به طور مداوم تکرار می‌شود. با به پرسش کشیدن پیش‌فرض‌های گذشته‌گان، اندیشه چالش‌ها و نقدهای جدیدی جان گرفتند و جریان‌های تازه‌ای به راه افتادند. دوران معاصر دوران زبان و چرخش زبانی است، و همه یا اغلب مسائل از افقی زبانی ظهور می‌کنند. جریان‌های معرفت‌شناسی معاصر درک دیگری از جریان‌های فلسفی ادوار گذشته پیش روی ما می‌نهند، و برق‌هایی که از اذهان فیلسوفان فلسفه علم در معرفت‌شناسی جهیده‌اند، همواره در اندیشه‌های زنده این عصر خلیجان می‌کند. برخی حتی عنوان کردند که دوران معاصر بهترین دوران برای مطالعات فلسفی است؛ و اینگونه صحنه برای ظهور هیأت الهیات و فلسفه دین در این زمان آماده می‌گردد. معتقدین و غیر معتقدین به آموزه‌ها و باورهای دینی، هر دو در کنار هم و با ابزارهای تجهیز یافته تر به عرصه گفتگو وارد می‌شوند و آتش این جدال‌های فلسفی بیش از پیش گرم‌تر و پُر فروغ‌تر می‌گردد.

در این میان موضوع زبان دینی و از میان مسائل این موضوع، دو مسأله معناداری و صدق، از اهمیت بسزایی برخوردارند. فیلسوفان با گرایش‌های معرفت‌شناختی همواره به این مسأله علاقه نشان داده‌اند. در این میان عرصه زبان دینی، نام‌های بزرگی را به سوی خود جلب کرد. این جذابیت زبان دینی را می‌توان در دو دلیل طرح کرد. «اول آنکه فیلسوفان می‌خواهند بدانند که الفاظ راجع به خداوند چگونه افاده معنا می‌کنند. فیلسوفان به طور طبیعی در جستجوی پاسخی برای این پرسش هستند که چگونه با کلماتی که برای سخن گفتن از پدیده‌های مخلوق به کار گرفته می‌شوند، می‌توان به نحو معناداری درباره خداوند سخن گفت... دومین دلیل علاقه شدیدی که فیلسوفان به زبان دینی نشان می‌دهند این است که آنها در پی تحلیل و ارزیابی اعتقادات هستند و البته اعتقادات در قالب قضایا یا گزاره‌ها بیان می‌شوند»^۱. اینگونه است که مسأله صدق و کذب این قضایا و گزاره‌ها مطرح می‌شود. در باب معناداری نیز باید گفت که «در گذشته فیلسوفان دین سنتی همواره اطمینان داشته‌اند که می‌توان

^۱ - مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، (احمد نراقی و ابراهیم سلطانی)، (تهران: طرح نو، ۱۳۸۳)، ص ۲۵۵.

به نحو معناداری درباره‌ی خداوند سخن گفت»^۲، اما با از راه رسیدن متفکران جریان پوزیتیویستی، و طرح پیش‌فرض‌های جدید معرفتی، چالش معناداری زبان دینی شکل گرفت. دو دیدگاه اثبات‌گرایی و ابطال‌گرایی به عنوان معیارهایی برای همه‌ی انواع معناداری مطرح شدند که به خصوص زبان دین را به نقد کشیده و اشکالاتی طرح کردند. پس از اینکه ویتگنشتاین به طرح تفکرات دوران دوم فکری‌اش پرداخت، جریان دیگری ظهور کرد که به عنوان ایمان‌گرایی ویتگنشتاینی در دو تفسیر شناختاری و غیرشناختاری از زبان دین مطرح شد. هر یک از این دو، رویکرد خاصی به طرح زبان دین در راستای مسأله معناداری و صدق پیش کشیدند، به طوری که نیمه‌ی دوم قرن بیستم به شدت تحت تأثیر لوازم و نتایج این دو جریان، حتی در مسائلی غیر از دین و زبان دینی قرار گرفتند.

در این میان ویتگنشتاین به عنوان نفر اول جریان دوم و آنتونی فیلو تجسم ابطال‌گرایی به سبک پوزیتیویسم منطقی در جریان نخست به شمار می‌آیند. هدف از انجام این پایان‌نامه شرح، بررسی و نقد تفکر این دو شخص و نقد لوازم و نتایج منتقدین و مخالفین فکری آنان می‌باشد.

نحوه‌ی انجام این مقصود اینگونه بود که در قالب دو فصل به هر یک از این دو فیلسوف پرداخته شده است. در مورد ویتگنشتاین صرفاً دوران دوم حیات اندیشه‌ی وی لحاظ گردیده، چرا که دوران نخست اندیشه‌ی وی پیرامون زبان دینی از اهمیت چندانی برخوردار نیست، تا آنجا که دوران نخست اندیشه‌ی وی در این باب را نمی‌توان با دوران دوم آن مقایسه نمود. پس از طرح خاستگاه‌های اندیشه‌ی هر یک به دیدگاه‌های آنان در راستا و مضمون کلی معناداری و صدق در قالب زبان دینی پرداخته می‌شود. در مورد آنتونی فیلو، به علت طرح اصلی دیدگاه‌های وی و یک مقاله‌ی معروف و ماندگار در تاریخ فلسفه دین، به چارچوب و محتوای صرفاً همان اثر ارجاع داده می‌شود. در باب نقدهایی که بر هر دو نظر مطرح گردیده، در حد امکان و دسترسی به آنها، نقدهای برخی متفکرین غربی و برخی متفکرین ایرانی بسنده شده است، هر چند تلاش شد که خاستگاه‌های کلی آن نقدها و پیش‌فرض‌ها و کبرای‌های کلی استدلالات و قیاسات منتقدین تا حد امکان روشن گردد، اما همواره به نقدها و بررسی‌های بیشتری و دیگر، نیاز دیده می‌شود.

^۲ - همان، ص ۲۶۰-۲۶۱.

در خلال و انجام کار، به نظر می‌رسید که دو دیدگاه لحاظ شده در اندیشه این دو فیلسوف در فضای فکری، فلسفی و خصوصاً الهیات جامعه امروز ما، کمتر از آنچه که شایسته آنها و تأثیر جهانی‌شان بر جریان‌های فکری چند دهه اخیر می‌باشد، پرداخته شده و این پرسش آشکار می‌شود که چرا شرح‌ها و نقدها از آنچه که باید، کمتر هستند و چه خوب خواهد بود اگر این مهم با حب و بغض هر چه کمتری نسبت به این دو دیدگاه صورت یابد. احترام به اختلاف در مبناها و پیش‌فرض‌های معرفتی نیازی است که نقد امروز بیش از هر زمان دیگر به آن نیاز دارد. این مسائل خود از ابتدا مهمترین دلیل انتخاب این موضوع برای پایان‌نامه به شمار می‌رفت.

با بررسی و رجوع به مقالات و کتب موجود در ایران، چه ترجمه و چه تألیف به نظر رسید که طرح‌ها، نقدها و پرسش‌های این دو اندیشمند، یا چنان که در فلسفه معاصر مطرح است و یا حتی چنان که به نظر می‌رسد باید به جد گرفته شود، از اهمیت و عنایت اندیشمندان و منتقدین محترم کشورمان به دور افتاده است. به طوری که در مورد دیدگاه‌های این دو فیلسوف یا نقدهایی ضعیف و عجیب صورت گرفته است، و یا اصل مطلب مسکوت رها شده است؛ در حالی که دیدگاه‌های این دو فیلسوف به سبب لوازم و نتایج، بسیار از آنچه نشان داده شده است چالش‌انگیز تر و تأثیرگذار تر است. به عنوان نمونه، ترجمه و بررسی ویتگنشتاین بیش از یک دهه پیش در ایران آغاز شده است، اما به نظر می‌رسد که یا سخن وی چنان که باید درک نشده است، و یا چنان که باید پرداخته نشده است، چرا که در فلسفه وی اساساً همه دستگاه‌ها و منظرهای متافیزیکی منحل می‌شوند، و فضای فلسفه ایران معاصر در برابر چنین رویکردی به متافیزیک هیچ برخورد مناسب و جدی‌ای نشان نداده است، حال آنکه ویتگنشتاین به لحاظ پذیرش و ارجاع به فلسفه‌اش از بزرگترین فیلسوفان معاصر است.

به این ترتیب و در مواجهه با چنین موقعیتی، لازم دیدم که بر خلاف اغلب بررسی‌ها و نقدهای موجود، با مواضع و دیدگاه‌های این دو فیلسوف بدون هیچ گونه رویه دفاعی روبرو گردم. و اینگونه شد که سخنان این دو فیلسوف را بسیار ژرف‌تر و سنگین‌تر از سخنان منتقدین ایشان یافتم. بنابراین به نقد این نقدها پرداخته و در این نقد از پذیرش و التزام به هرگونه لوازم غیر فلسفی، ابایی به خود راه ندادم. در نهایت و نتیجه به نظر می‌رسد که دلیل و دلایل ایشان در نقد مواضع مورد نظرشان، بسیار محکم‌تر از دلیل و دلایل منتقدین‌شان باشد، البته بدون در نظر آوردن مدعا و مدعیات هر دو گروه، چرا که حتماً منتقدین بر مدعا و

مدعیات خود در ارائه این نقدها صحه می گذارند، اما چه می شود کرد که نسبت های دلیل و مدعا پیچیده تر از این ها است.

در نهایت لازم به ذکر است که مسئولیت نظرات ارائه شده در این پایان نامه همه بر عهده نگارنده این سطور می باشد.

فلسفه تحلیلی دین

درآمد

در این فصل مطالب در دو بخش ارائه می‌گردد؛ بخش اول شامل متن اصلی فلسفه تحلیلی دین به قلم ویلیام هسکر از کتاب فلسفه دین^۱ و ویلیام ون رایت^۲ به زبان لاتین، و بخش دوم شامل ترجمه متن مذکور می‌باشد.

کتاب فلسفه دین شامل دو بخش است؛ بخش اول در هجده عنوان به مسائلی از قبیل براهین مختلف وجود خدا، تجربه دینی و عرفانی، مسئله شر، معرفت شناسی دینی، مجزه و چند مسئله دیگر، و بخش دوم در چهار عنوان به رویکردهای مختلفی از قبیل ویتگنشتاین گرای، فلسفه قاره ای دین، و فمینیسم و فلسفه تحلیلی دین می‌پردازد. اولین عنوان از بخش دوم کتاب، متنی است که در اینجا به ترجمه آن اقدام گردیده است.

در باب نویسنده مقاله؛ ویلیام هسکر^۳ فیلسوف مسیحی امریکایی و استاد بخش علوم انسانی و کتاب مقدس کالج هانتینگتون^۴ می‌باشد. هسکر مدرک دکتری خود را در رشته الهیات و فلسفه دین از دانشگاه ادینبورو^۵ در یافت نمود. برخی از آثار مهم وی به این قرارند: متافیزیک؛ ساخت یک جهان بینی^۶ ۱۹۸۳، خدا، زبان و معرفت^۷ ۱۹۸۹، مشیت الهی، شر و نامحدودیت الهی^۸ ۲۰۰۴، و غلبه خدا بر شر: نظریه عدل الهی برای جهانی از رنج^۹ ۲۰۰۸.

در ترجمه این اثر به زبان فارسی از دو فرهنگ لغات و اصطلاحات تخصصی استفاده گردیده است؛ فرهنگ اصطلاحات فلسفه، تألیف پرویز بابایی، و فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، به گردآوری ماری بریجانیان.

^۱ _ The Oxford Handbook of Philosophy of Religion, Publication date 2005

^۲ _ Wainwright, William J. (Editor), Distinguished Professor of Philosophy, University of Wisconsin, Milwaukee

^۳ _ R. William Hasker

^۴ _ Huntington College

^۵ _ University of Edinburgh

^۶ _ Metaphysics: Constructing a World View

^۷ _ God, Time, and Knowledge

^۸ _ Providence, Evil, and the Openness of God

^۹ _ The Triumph of God over Evil: Theodicy for a World of Suffering

فلسفه تحلیلی دین

ویلیام هسکر

نطفه فلسفه تحلیلی دین در دهه ۱۹۴۰ منعقد شد، در اوایل دهه ۱۹۵۰ زاده شد، دوران خردی‌اش در دهه ۱۹۶۰ طی شد، در دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ شکوفا گشته و از آن پس بالغ شد و در انتهای هزاره، به بلوغ کافی رسید، به طوری که در هیچ کجا افول و فترتی در آن دیده نمی‌شود.

به مانند هر استعاره‌ای، این یک نیز محدودیت‌های خود را دارد. از این رو دشوار است بتوان تحریرات فلسفی ادوار نخستین فلسفه تحلیلی را با دوران خردی مقایسه کرد، چه رسد به دوره جنینی. البته این حوزه مطالعاتی که در ابتدا نابالغ بود، بعدها، هم در باب موضوعات مورد اشاره و همچنین در روش پرداخت آنها، رشد چشمگیری نموده است. این مطالعه، تاریخ فلسفه تحلیلی دین را به سه بخش تقسیم می‌کند، که وجه اختلاف آنها در موضوعی است که به مؤثرترین شکل مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش نخست که تا حدود ۱۹۶۵ ادامه داشت، زبان دینی دغدغه اصلی بود، به ویژه که معنای معرفتی چنین زبانی مد نظر بود. در بخش دوم که تا اوایل دهه ۱۹۸۰ تداوم یافت، تلاش بیشتری، صرف شفاف کردن آنچه می‌تواند «فلسفه ایمان و باور دینی»^۱ قلمداد گردد، شد. در آخرین دوره تنوع در خور توجهی احساس گردید که هم اکنون این حوزه، موضوعات متنوع‌تری را نسبت به گذشته در بر می‌گیرد.

^۱ - philosophy of theism

دوره نخست: زبان دینی

در طی دهه‌های نخستین قرن بیستم، جایگاه فلسفه دین در فلسفه تحلیلی، بسیار حاشیه‌ای بود. جرج ادوارد مور^۱ یک دوره فرح بخش اونجلیکال^۲ در دوران طفولیت‌اش، با طیب خاطر در رساله خود، با عنوان «دفاعیه‌ای بر عقل عرفی»^۳ خاطر نشان کرد که او از دیگر فیلسوفان متمایز است، چرا که «آنها باور دارند استدلال صوابی برای وجود خدا وجود دارد... [یا] باور دارند که حیات ما انسانها پس از مرگ جسم تداوم خواهد داشت و این حیات آگاهانه خواهد بود» (۱۲۷ و ۱۹۲۵). اعتراضات برتراند راسل^۴ بر علیه دین بیشتر برهانی می‌نماید، با این حال آنها از دامنه کار فلسفی جدی او خارج ماندند. تأملات عرفانی^۵ لودویگ ویتگشتاین در بخش نتیجه‌گیری *تراکتاتوس*^۶، گرچه نظریاتی چشم‌گیر و تأثیرگذار بود، اما از هر گونه ساختار نظام‌مند موضوعات فلسفی در باب دین بدور ماند. در گذار این سالیان، جریان اندیشه دینی به راههای دیگری افتاد، تا جایی که این جریان، درگیر بحث فلسفی شد که غالباً شاخه‌های ایده‌آلیسم ما بعد هگلی^۷ به حساب می‌آمدند.

آنچه که تمام این جریان را تغییر داد، ظهور پزیتویسم منطقی^۸ بود. بویژه معرفتی آن به جهان انگلیسی زبان توسط *زبان، حقیقت و معنا*^۹ اثر ای، جی. آیر^{۱۰} (۱۸۳۶). اثر آیر در مقایسه با پزیتویستهای قاره‌ای^{۱۱} چندان اصل نبود، لکن آن کار بر به چالش کشاندن بنیادهای اندیشه دینی به شکلی که به سختی می‌توان از آن گذشت، تأثیر نهاد.

نه تنها صدق^{۱۲} احکام الهیات را مورد سؤال قرار داد، بلکه حقی نفس معناداری^{۱۳} آنها نیز به این ترتیب مورد سوال واقع شد. آنچه مورد انکار قرار گرفت، آن بود که این قبیل گزاره‌ها دارای وجه معرفتی^{۱۴} کافی برای امکان اطلاق ارزش صدق یا کذب^۱ نیستند. مضافاً بر

¹- G. E. Moore

²- evangelical

³- a defence of common sense

⁴- Bertrand Russell

⁵- mystical

⁶- Tractatus

⁷- Post-Hegelian

⁸- Logical Positivism

⁹- Language, Truth, and Logic

¹⁰- A. J. Ayer

¹¹- continental

¹²- truth

¹³- meaningfulness

¹⁴- cognitive significance

بر اینکه، تنوع دیدگاههای فلسفی که در گذشته در ارائه باور دینی بکار رفته بودند، خود نیز محل مناقشه واقع گردیده و بدینسان هیچ دفاع مؤثری برای آنان وجود نداشت.

دهه ۱۹۴۰، آغاز تلاشهای متفکرین دینی برای یافتن راههایی جهت مقابله با چالش جدید بود. این مناقشه در ذیل نام «الهیات و ابطال»^۲ به اوج خود رسید که در سالهای ۱۹۵۰ الی ۱۹۵۱ در روزنامه یونیورسیتی^۳ رخ داد و در بخش ۱۹۵۵ در کتاب مقالاتی جدید در الهیات فلسفی^۴ (فیلو و مک‌ایتایر،^۵ ویراستاران) تجدید چاپ شد. صحنه مناظره توسط آنتونی فیلو^۶ ترتیب یافته بود، کسی که حکایتی را که راوی اصلی آن جان ویزدم^۷ است، مطرح می‌کند:

روزی دو جهانگرد به مکان مسطحی از جنگل رسیدند. آنجا گلها و سبزه‌های بسیاری در حال رویش بودند. یکی از آن دو می‌گوید: «باغبانی باید که این زمین را مراقبت نماید». دیگری مخالفت می‌کند، «اینجا باغبانی نیست». سپس آنها چادرهایشان را برپا کرده، و به مراقبت مشغول شدند. اما هیچ باغبانی رؤیت نشد. «با این حال ممکن است، او باغبانی نامرئی باشد». پس آنها حصاری از سیم خاردار برپا کردند، و سپس جریانی از برق بدان وصل کردند، و با سگان شکاری به نگهبانی پرداختند... اما هیچ صدایی برنخاست تا آشکار کند که چیزی حرکتی نموده است. هیچ حرکتی از سیم که حاکی از ورود شخصی نامرئی باشد، رخ نداد. و سگان شکاری، هرگز پارس نکردند. با اینحال هنوز مدعی متقاعد نشده است. «اما اینجا باغبانی هست، نادیدنی، نامحسوس و غیرحساس به شوک الکتریکی. باغبانی که نه ردی به جا می‌گذارد و نه صدایی ایجاد می‌کند. باغبانی که به شکل اسرارآمیزی می‌آید تا باغی را

¹- false

²- falsification

³- University

⁴- New Essays in Philosophical Theology

⁵- MacIntyre

⁶- Antony Flew

⁷- John Wisdom

که دوست می‌دارد، مراقبت نماید». عاقبت شکاک ناامید می‌شود؛ «حال از اصل مدّعی تو چه باقی مانده؟ برآستی چگونه تو، میان آنچه باغبانی نامرئی، نامحسوس و همواره گریزان می‌نامی و باغبانی موهوم و یا حتی باغبانی که نیست، تفاوت قائل می‌شود؟» (فیلو و دیگران. ۹۶ و ۱۹۹۵).

فیلو نظرش را با این گفته روشن می‌سازد، «در این حکایت ما می‌توانیم ببینیم، چگونه آنچه به عنوان یک حکم^۱ در ابتدا ادّعا می‌کند که چیزی وجود دارد یا شباهتی میان موارد معین پدیدارها هست، آرام آرام به حالتی کاملاً متفاوت (از آنچه در ابتداء بیان می‌شود) کاهش می‌یابد به تعبیری که احتمالاً از یک (ترجیح تصویری)^۲ سخن به میان می‌آورد. به نظر فیلو، این آن چیزی است که مخصوصاً در همین راستا، در گزاره‌هایی از قبیل احکام الهیات رخ می‌دهد: مدعیاتی که (ظاهراً) به عنوان «گزاره‌های جهانشمول گسترده»^۳ شروع می‌شوند و سپس به سرعت در مواجهه با اعتراضات، بیش از پیش تحدید می‌شوند، تا جایی که دیگر راه گریزی نیست و بعد به «مرگی از انبوه جرح و تعدیلات»، می‌میرند (۹۷). گزاره‌هایی که ابطال‌ناپذیر هستند، و به همین سبب بی‌معنایند.

در چالش‌های فیلو دشواری‌هایی منطقی وجود دارند، علی‌رغم این دیدگاه بنیادین او بسیاری از خوانندگان را وادار به تسلیم شدن می‌کند: «شخصی به ما می‌گوید که خداوند ما را دوست می‌دارد، همچنان که پدری فرزند خویش را. ما قانع می‌شویم. اما سپس ما کودکی را می‌بینیم که از سرطان لاعلاج حنجره، در حال مردن است. پدر زمینی او در تلاشهایش به قصد یاری در کوششی دیوانه‌وار است، حال آنکه پدر آسمانی آن کودک، هیچ نشانی از علاقه بروز نمی‌دهد» (فیلو ۱۹۵۵، ۹۹-۹۸). ممکن است پرسیم، آیا این سخن از محبت خدا، واقعاً گفتن مطلبی است غیر از فراهم آوردن آرامش و اطمینان مبهم عاطفی؟ فیلو طرف بحث‌اش را با این سؤال مورد اعتراض می‌دهد، «چه چیزی می‌توانست واقع شود یا باید واقع شود تا برای شما دلیل ابطال عشق خدا یا ابطال وجود او باشد؟» (۹۹).

¹- assertion
²- picture reference
³- vast

در پاسخ فیلو، آر. ام. هیر تصدیق می‌کند که «با توجه به مبنایی که توسط فیلو خاطر نشان گردید، به نظر من او کاملاً فاتح میدان بوده است». سپس او با حکایتی از طرف خود به مواجهه بر می‌آید، درباره «دیوانه‌ای که متقاعد می‌شود همه استادان در صدد قتل او هستند»، (فیلو و دیگران. ۱۹۵۵، ۹۹) توسط دوستانش به گروهی از آنها معرفی می‌شود که آنها به ابراز مهربانی و حسن نیت شاخص، و کاملاً از هر گونه مقاصد جنایتکارانه‌ای مبری بودند. او بر تصورش مبتنی بر اینکه آنها به شکلی در حال طرح نقشه‌ای برای قتل او هستند، پافشاری می‌کند. هیر موقعیت را اینگونه توصیف می‌کند که آن مرد «دیدگاهی^۱ جنون‌آمیز درباره استادان دارد» (۱۰۰)، در حالی که ما دیدگاهی عاقلانه درباره ایشان داریم. دیدگاه، نوعی تلقی یا روشی از نگرستن، نسبت به جهان است، که مبتنی بر دلایل نباشد، (زیرا فرد مذکور دیوانه نیز تمام دلایلی را در دست دارد که بقیه ما نیز بر اساس آن به بی‌آزار بودن استادان باور داریم)، علی‌رغم این، همه جوانب تجسس‌اتمان را عمیقاً جهت داده، و پاسخ‌هایمان را نسبت به موقعیت‌های متفاوت، معین می‌گرداند. باور دینی نباید به گونه‌ای مطرح شود (به شکلی که فیلو، طرح کرده است)، چنانکه گویی، نوعی تئوری علمی است؛ بلکه گزاره‌های دینی دیدگاهی را شرح می‌دهند، یعنی نگرشی بنیادین که بواسطه آن شخص مؤمن از شخص ملحد متمایز می‌گردد. و دفاع فیلو موجز است: «اگر دین هیر، واقعاً یک دیدگاه است، که البته مستلزم آن است که هیچ حکم جهانشمولی^۲ در باب ذات و افعال خالقِ شخصی مفروضی واقع نشود، پس مطمئناً او هرگز یک مسیحی نیست؟» (۱۰۸). نظریه دیدگاه‌های هیر نماینده شماری از نظریات مشابه است، برای مثال، توسط آر. بی، بریث‌ویت^۳ (۱۹۹۵)، نظری مطرح گردید که در آن مضمون معرفتی باور دینی، به سود شاخصه اخلاقی و شخصی دین در زندگی شخص مؤمن کنار گذاشته می‌شود. نقش بازیل میچل^۴ در این مناقشه نیز مدخل^۵ دیگری است:

در زمان جنگ در یک کشور اشغال شده، عضوی از گروه مقاومت، یک شب غریبه‌ای را ملاقات می‌کند که عمیقاً او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنها، آن شب را در مصاحبت یکدیگر گذرانند. شخص غریبه

¹ - bilk

² - cosmological

³ - R. B. Braith Waite

⁴ - Basil Mitchell

⁵ - entry

چنین می‌گوید که خود طرفدار جبهه مقاومت است - در واقع در مقام فرماندهی است، و می‌خواهد که رزمنده، علی‌رغم آنچه که اتفاق می‌افتد، به او باور داشته باشد. رزمنده با دیدن خلوص و پایداری آن غریبه کاملاً متقاعد شده، به او باور می‌آورد. (فیلو و دیگران، ۱۹۵۵، ۱۰۳).

در گذر زمان گاهی دیده می‌شود که آن غریبه به جبهه مقاومت یاری می‌رساند، اما در برخی مواقع او از یاری رساندن به هنگام لزوم، اجتناب می‌ورزد، و حتی در مواردی به نظر می‌آید که به جبهه دشمن نیز می‌پردازد. اما حتی با بروز این مسئله، رزمنده، همچنان اصرار دارد که «او طرفدار ماست». و هنگامی که دوستانش از او می‌پرسند، «او چه کاری باید برای تو به انجام رساند، تا بپذیری که تو در اشتباه هستی و او طرف ما نیست؟» رزمنده با این جواب طفره می‌رود و می‌گوید: «موافق آزمودن آن غریبه در این مورد نیست» (۱۰۴).

در شرح این حکایت، میچل سه موضع درباره باور دینی مطرح می‌کند. نخست، *شرناموجه*^۱ آشکارا قرینه‌ای^۲ است، علیه وجود و خیریت خداوند، چنانکه رفتار مبهم آن غریبه دلیلی بود علیه اینکه او حامی جبهه مقاومت به شمار آید. دوم آنکه، هر دو شخص، رزمنده گروه مقاومت و معتقد دینی، به اهداف^۳ ایمان خاص خود ملتزم هستند، از این رو، هیچ‌یک اجازه نمی‌دهند که قرینه سلبی، به صورت قطعی در تعارض با اعتقادشان به حساب آید. اما سوم آنکه، در برخی مواقع، حتی در مواجهه با دلیل نقض، رفتار رزمنده یا معتقد دینی با اصرار به باور خود، «کاملاً ابلهانه» به نظر می‌آید، اگرچه به طور دقیق، از پیش گفتن آن ناممکن است که به چه هنگام این مسئله واقع می‌شود. (با این حال، نکته چهارم درست در پس ظاهر این حکایت وجود دارد: منشاء باور ابتدائاً در یک مواجهه واقعی، ایجاد گردیده است. برای میچل این مواجهه، مضموناً به نوعی است که در داستان مسیحی^۴ باز گفته شد).

در پاسخ به میچل، فیلو می‌پذیرد که پاسخ میچل در واقع بیشتر از آنچه خود وی در مقاله اصلی‌اش آورده است میان متکلمان^۵ رایج است. اما او مدعی است که این پاسخی

¹ - evil does count

² - evidence

³ - objects

⁴ - Christian Story

⁵ - theologians

نیست که بتواند فاتحانه در مواجهه با یک دلیل بالفعل^۱ پایدار بماند. آن شخص غریبه، تنها انسانی دیگر است، از این رو بهانه‌های موجهی برای رفتار مبهم وی وجود دارند. اما میچل «به خداوند صفاتی اطلاق می‌کند که آن صفات همه توجیهاست استوار^۲ ممکن را مستثنی می‌کند... ما نمی‌توانیم بگوئیم خداوند بر آن است که یاری نماید، اما بر این امر قادر نیست: خداوند قادر مطلق است. ما نمی‌توانیم بگوئیم اگر او فقط می‌دانست (آگاه بود)، یاری می‌رساند: خدا عالم مطلق است. ما نمی‌توانیم بگوئیم که او مسئول شرارت دیگران نیست: زیرا خدا خالق دیگران است» (فیلو و دیگران، ۱۹۵۵، ۱۰۷).

آنچه که در این پاسخ نباید از نظر دور داشت، آن است که در این پاسخ، فیلو شرایط^۳ این مناظره را تغییر داده است - و آنها را در طریقی بسیار سنتی جهت داده است. قبلاً این طور نبود که گزاره‌های بکار رفته در الهیات، به علت آنکه ابطال‌ناپذیرند، بی معنایند؛ بلکه ادعا این بود که به مدد قرینه، آن احکام باید **باطل** باشند. و دلیل مقوم این ادعا نیز بسیار سنتی است، یعنی، مسئله شر. اگر این تغییر موضع در این مجادله بوضوح در آن زمان درک شده بود، ما این امکان را داشتیم که از برخی مباحث طولانی پیرو آن، در مبحث «دشواری زبان دینی» اغماض کنیم.

آی. ام. کرمبی^۴ (۱۹۹۵)، پیرامون مبحث ابطال‌پذیری، استنادانه آرایبی را پیش می‌کشد که معمولاً با رأی میچل سازگارند. در توجیهی^۵ که او برای زبان دینی دارد، به صورت مؤثری نظریه تمثیل^۶ رابط بسط می‌دهد، اگرچه این تمثیل دارای بار متافیزیکی کمتری نسبت به تومیس^۷ سنتی است. مانند میچل او می‌پذیرد که قرینه‌ای ناخواسته در مقابل ایمان قرار می‌گیرد، اما (چون یک مؤمن است) اجازه نمی‌دهد که این قرینه به طور قطعی در برابر ایمان قرار گیرد، زیرا ایمان در واقع حقیقت است. اما آن قرینه، آیا چیست که می‌تواند به طور قطعی ایمان مسیحی را ابطال نماید؟ بر اساس نظر کرمبی، فرد مسیحی

1- actual evidence

2- saving

3- terms

4- I. M. Crombie

5- accounting

6- doctrine of analogy

7- Thomism

مواضع تجهیز یافته‌ای دارد که به آنها عقب‌نشینی می‌کند؛ و می‌داند که اگر این مواضع فتح شوند، آنگاه او باید تسلیم شود... سه دژ اصلی وجود دارد که فرد مسیحی در پشت آنها پنهان می‌شود. اولاً، فرد مسیحی زندگی دوباره پس از مرگ، و حیات را در جهانی که پس از آن پیش می‌آید، در نظر دارد؛ به عبارت دیگر فرد مسیحی باور دارد که ما، تمام صحنه^۱ را نمی‌بینیم، و اجزائی که ما به طور کامل شاهد آن نیستیم، بخشهایی هستند که آن طرح کلی را معین می‌کنند... دوّمأً، فرد مسیحی مدّعی است که مسیح را تصدیقی از عشق خداوند، و تا حدّی تعین عشق الهی می‌بیند... سوّمأً، فرد مسیحی مدّعی است که در حیات دینی دیگران، اگر نه تاکنون در حیات خود، عشق الهی قابل درک است و این عهد که چنین است «تا تو را نیابم، از پای نخواهم نشست»، اگر به طور درستی درک شود، تصدیق می‌گردد. (۱۲۹)

ارجاع کرمبی به «زندگی دوباره پس از مرگ، و حیات در جهانی که پیش‌رو است»، توسط جان هک (۱۹۵۷)^۲ پذیرفته و به استادی در نظریه او به عنوان «اثبات آخرت شناسانه»^۳ گسترش داده می‌شود. نظری که در اینجا مطرح می‌گردد آن است که ایمان مسیحی با این همه اثبات‌پذیر است (اگرچه شاید ابطال‌پذیر نباشد): همه ما ناگزیر از مرگیم! طبیعتاً، هک برای این نظریه خود، با چالشهای متعددی روبرو شد. برخی این سؤال را مطرح نموده‌اند که آیا نظریه زندگی پس از مرگ فی‌نفسه معنادار است یا نه؟ پرسش دیگر این است که آیا هر آنچه پس از مرگ رخ می‌دهد و قطعاً مؤید حقیقت مسیحیت است، اساساً نمی‌تواند مسیحیت را در این جهان تأیید نماید؟ و البته، این مفهوم اثبات معادشناسانه، فی‌نفسه نمی‌تواند نوری بیافکند بر مسیری که زبان در آن قابل استفاده باشد تا به توصیف حقیقتی استعلایی نظیر خداوند، پردازد. مع‌الوصف، رأی هک، این حقیقت را دست کم نمی‌گیرد که در جهات خاصی، معتقدین دینی

¹ - Picture

² -John Hick

³ -eschatological verification.

به انتظاراتی کاملاً عینی می‌پردازند که آن انتظارات از نوع انتظارات غیر معتقدین دینی، متمایز هستند. این دیدگاه، از رأی هیر و «رجحان تصویری» فیلو بسیار متفاوت است.

هرگونه بحثی در باب زبان دینی که توجهی به فلسفه متأخر ویتگنشتاین ننماید، به طور جدی ناقص است. مهمترین مسأله در باب فلسفه ویتگنشتاین به هنگام انتشار تأملات فلسفی وی،^۱ طرحی بود مبتنی بر پذیرفتن صورتهای متنوع «بازیهای - زبانی»^۲ متفاوت در معنای اصلی خودش، به نحوی که هر بازی زبانی، مفید معنا باشد. جدای از اجبار برای سازگار شدن با آنچه که بسیاری، آن را موانع دست و پا گیر اثبات‌گرایی می‌انگاشتند، زبان دینی (در میان دیگر صورتهای زندگی) باید به این منزله فهم شود که در واقع توسط افراد دینی به کار رفته است. علاوه بر این، معتقدین را این انتظار نمی‌رود که کاربردهای خود را از چنین زبانی توجیه نمایند؛ بلکه، تقاضای توجیه (لااقل در این مورد)، «فروکاستن»^۳ «صورتی از زندگی» است، به چیزی که خود جزئی از آن (زندگی) است. درون این بازی زبانی و درون این صورت زندگی، اقتضائاتی برای توجیه و معیارهایی برای آنچه توجیه به حساب می‌آید، موجود است. اما اگر این بازی زبانی و این صورت زندگی از بیرون محل پرسش واقع گردند، آنگاه تنها پاسخ ممکن آن است که «این بازی زبانی، صورت می‌گیرد».

پس این رویکرد نسبت به زبان، به رهایش زبان دینی از لوازم دشوار اثبات‌گرایی متعهد گردید و به آن مجال داد تا به شیوه‌ای که با مقاصد واقعی کاربران زبان سازگارتر است، مورد مطالعه قرار گیرد. علی‌رغم آن، این رهایش، مستلزم پرداخت بهایی است. گزاره «این بازی زبانی صورت می‌گیرد» - درست است، اما گزاره‌های دیگر هم بر این قیاس، که رقیب آنند مانند بازیهای زبانی دینی دیگر، و نیز دیگر بازیهای زبانی غیر دینی، که کاملاً سخن گفتن در باب خدا را انکار می‌کنند، صحیح هستند. همچنین اگر مسئله توجیه به یک صورت زندگی فروکاسته شود، آن گاه این مسئله آشکار می‌گردد که ما حداکثر به صورتی از کثرت‌گرایی^۴ یا نسبی‌گرایی^۵ خواهیم رسید - و این، هر فایده‌ای که داشته باشد، به مراتب به دور از مقاصد بسیاری از مشارکین واقعی بازیهای زبانی دینی است. مؤکداً، درون محدوده بازی زبانی دینی،

¹ - Philosophical Investigations

² - language - games

³ - battoms out

⁴ - pluralism

⁵ - relativism